



Atlantic Council

## استراتژی یا تاکتیک، نقطه اختلاف بایدن و نتانیاهو

نامیدی فزاینده دولت بایدن از بنیامین نتانیاهو، بیشتر حول محور شکست کاخ سفید در بیان و اجرای راهبردی است که معتقد است اسرائیل را امن تر می کند. کاخ سفید معتقد است نگاه تاکتیکی اسرائیل اوضاع را بدتر خواهد کرد. دو فرد آشنا با تفکرات دولت بایدن به شرط ناشناس ماندن به شورای آتلانتیک گفتند که جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا معتقد است که حوزه مدیریتی بحران در اسرائیل، تاکتیک‌ها را با استراتژی اشتباه می‌گیرند و به‌گونه‌ای عمل می‌کنند که نه پایدار است و نه قابل پشتیبانی و حمایت. «اما سوال این است که آخر این بازی چه خواهد شد؟ و مسیر دستیابی به ثبات چیست؟ واقعیت این است که نتانیاهو نتوانسته است به این سوالات به‌گونه‌ای پاسخ دهد که دولت بایدن را متقاعد کند. این سوءتفاهم در نهایت منجر به جدی‌ترین مناقشه بین ایالات متحده و اسرائیل شده است و آن چیزی نیست جز تصمیم بایدن برای توقف ارسال ۳ هزار و ۵۰۰ بمب هدایت‌شونده به اسرائیل و قول او برای جلوگیری از ارسال سایر سلاح‌های تهاجمی به اسرائیل در صورت تهاجم زمینی تمام‌عیار تل‌آویو به رفح. انتقاد دولت بایدن این است که نتانیاهو، به قیمت از دست دادن استراتژی، تماماً روی تاکتیک‌ها تمرکز می‌کند. این تاکتیک‌ها شامل آزاد کردن گروگان‌ها است که او آنها را تنها با موفقیت جزئی انجام داد. تاکتیک دیگر نبودن جنگجویان و رهبران حماس است که نتانیاهو آن را به شیوه‌ای انجام داده است که موجب برانگیختن مخالفت‌های بین‌المللی و به بار آمدن تلفات غیرضروری غیرنظامیان شده است در حالی که رهبری ارشد حماس نیز هیچ آسیبی را متحمل نشده است. شکاف دیدگاه بایدن یادیدگاه بنیامین نتانیاهو بسیار عمیق است. زیرا این رئیس‌جمهور ایالات متحده بود که پس از حملات حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ در یک بیانیه حمایتی به شکلی چشمگیر از اسرائیل حمایت کرده و به تل‌آویو سفر کرد و در تل‌آویو به نتانیاهو گفت: «شما تنها نیستید.» اگر چه تنش‌ها بر سر حمله قریب‌الوقوع اسرائیل به رفح از ماه فوریه آغاز شد، اما نامیدی مقامات دولت بایدن زمانی که نتانیاهو نتوانست مسیر خود را پس از کمک متداندن در رهگیری موشک‌های شلیک‌شده از سوی ایران در ۱۳ آوریل تغییر دهد، به طرز چشمگیری افزایش یافت؛ آن دفاع، عملیات دفاع ترکیبی از اسرائیل که شامل ایالات متحده، فرانسه، بریتانیا و اردن بود و به‌طور قابل توجهی شامل کمک بی‌سرورصدا از عربستان سعودی، یکی از مقامات آمریکایی به شورای آتلانتیک گفت که این نمایش تاریخی که کشورهای عرب در کنار ایالات متحده کار می‌کنند و به دفاع از اسرائیل در برابر حمله ایران کمک کردند، پتانسیل «مهندسی مجدد معماری منطقه» را نشان داد. مقامات آمریکایی بر این باورند که عادی‌سازی روابط اسرائیل و عربستان، همراه با همکاری امنیتی نزدیک‌تر با سایر کشورهای عربی که توافق‌نامه ابراهیم را امضا کرده‌اند، به اسرائیل مسیری قابل اعتمادتر و پایدارتر از موفقیت در مقابله با حماس برای برقراری ثبات می‌دهد. مقامات آمریکایی برای تأکید بر دیدگاه خود در مورد بهبودی عملیات در رفح در مقیاس کامل از چگونگی ظاهر شدن مجدد جنگجویان حماس در مناطقی از غزه که نیروهای اسرائیلی به صورت نظامی پاکسازی کرده بودند، صحبت می‌کنند. مناطقی مانند خان یونس، یکی از این نقاط است. منطقه‌ای که گفته می‌شود یحیی سنوار، رهبر حماس و معمار حمله هفتم اکتبر در این منطقه حضور دارد. مقامات ایالات متحده به دنبال راهبردی هستند که دارای عناصر ذیل است: اسرائیل مرز مصر با غزه را ببندد و سپس رهبران حماس را بدون انجام عملیات در مقیاس بزرگ که منجر به تلفات غیرضروری غیرنظامیان می‌شود، تحت تعقیب قرار می‌دهد. در مرحله بعد، یک نیروی بین‌المللی یا احتمالاً یک نیروی عربی، امنیت غزه را تأمین می‌کند، در حالی که اسرائیل با همکاری دیگران برای ایجاد ساختار رهبری فلسطینی کار می‌کند که حماس را تحت فشار قرار دهد. سپس همه طرف‌ها در مورد مسیری به سوی تشکیل کشور فلسطینی توافق می‌کنند و تلاش‌ها برای عادی‌سازی روابط عربستان سعودی و بازسازی معماری امنیتی منطقه‌ای سرعت می‌گیرد. دستیابی به هیچ‌یک از این اهداف آسان نخواهد بود. همه اینها مستلزم این است که رویکرد نتانیاهو از تمرکز بر تاکتیک‌های کوتاه‌مدت به یک استراتژی طولانی‌مدت‌تر و امیدوارکننده‌تر تغییر کند. تا زمانی که او این کار را انجام ندهد، باید انتظار تنش‌های بیشتر نتانیاهو با بایدن را کشید.

بین‌الملل  
INTERNATIONAL

دنيس راس

نماینده سابق آمریکا در امور خاورمیانه



دیوید ماکوسکی

تحلیلگر انستیتو واشنگتن

تا ماه گذشته، رویارویی میان ایران و اسرائیل عمدتاً در فضای سایه جریان داشت. اما ماه گذشته ایرانی‌ها تصمیم گرفتند برای اولین بار در تاریخ جمهوری اسلامی، این رویارویی را از فضای سایه خارج کرده و علناً و مستقیماً از خاک ایران به اسرائیل حمله کنند. برخی ناظران استدلال کرده‌اند که حمله موشکی و پنهانی ایران در ۱۳ آوریل به اسرائیل یک ژست نمادین بود. با این حال، با توجه به تعداد پهپادها و موشک‌های شلیک‌شده از سوی ایران به سمت اسرائیل و قدرت انفجاری این پهپادها، ایران به وضوح قصد داشت آسیب‌هایی جدی به اسرائیل وارد کند. البته دفاع اسرائیل تقریباً بی‌عیب و نقص بود، اما باز هم نتوانست حمله ایران را به تنهایی دفع کند. همانطور که حمله ایران بی‌سابقه بود، مذاخه نظامی مستقیم ایالات متحده و تعدادی از متحدانش از جمله برخی کشورهای عربی در دفاع از اسرائیل نیز بی‌سابقه بود. فرماندهی مرکزی ایالات متحده، با مشارکت بریتانیا و اردن، حداقل یکسوم پهپادها و موشک‌های کروز را که ایران به سمت اسرائیل شلیک کرده بود، رهگیری کرد. عربستان سعودی و امارات متحده عربی نیز اطلاعاتی را به اشتراک گذاشتند که به اسرائیل در دفاع از خود کمک کرد. با توجه به اینکه جنگ اسرائیل با حماس در غزه به میزان زیادی در افکار عمومی جهان عرب منفور است، آمادگی این کشورها برای ایفای این نقش قابل توجه بود.

پنج روز بعد، زمانی که اسرائیل به حمله ایران واکنش نشان داد، درخواست‌های واشنگتن برای خوب‌شدن داری را در نظر گرفت و سه موشک به سمت تأسیسات راداری که باتری دفاع موشکی اس-۳۰۰ را در اصفهان، محل کارخانه تبدیل اورانیوم ایران، هدایت می‌کند، شلیک کرد. این اقدام یک پاسخ بسیار محدود بود؛ پاسخی که برای جلوگیری از تلفات داده‌شده بود و در عین حال نشان داد اسرائیل این توان را دارد که به سد دفاعی ایران نفوذ کرده و به هر هدفی که می‌خواهد ضربه بزند. ظاهراً اسرائیل به این نتیجه رسیده است که بهترین راه برای مقابله با ایران و نیروهای مورد حمایتش در منطقه، همکاری در چارچوب یک ائتلاف است. ایجاد چنین درکی در اسرائیل نیز بی‌سابقه است. این ایده که آمریکایی‌ها، اروپایی‌ها و اعراب برای کمک به رهگیری پهپادها و موشک‌های کروز پرتاب‌شده توسط ایران علیه اسرائیل فراهم می‌آیند، در گذشته‌های نه‌چندان دور، یک خواب و خیال و حتی برای اسرائیل نامطلوب به نظر می‌رسید. رفتار اسرائیل در مسائل دفاعی همواره این بوده که «ما خودمان از خود دفاع می‌کنیم.» این رویه هم مایه غرور اسرائیل بود و هم یکی از اصول دفاعی نظامی اسرائیل به حساب می‌آمد و این تصور را ایجاد می‌کرد که هیچ‌کس به جز اسرائیلی‌ها مجبور نیست از طرف اسرائیل دست به اسلحه برد.

اما اکنون که اسرائیل نه تنها با ایران، بلکه با چندین گروه مورد حمایت ایران روبه‌روست، هزینه در اختیار گرفتن کنترل و مدیریت تمام این جبهه‌ها به خودی خود بسیار زیاد می‌شود. این تحول و همچنین تمایلی که کشورهای عربی در ماه آوریل برای پیوستن به اسرائیل برای مقابله با توان موشکی ایران و گروه‌های مورد حمایتش از خود نشان دادند، نشان می‌دهد که پنجره‌ای برای ایجاد یک ائتلاف منطقه‌ای باز شده است که استراتژی مشترکی را برای مقابله با ایران و گروه‌های مورد حمایتش در منطقه دنبال می‌کند.

با این حال، برای استفاده از این فرصت، اسرائیل، ایالات متحده و کشورهای عربی - به‌ویژه عربستان سعودی - باید ماهیت منحصربه‌فرد این فرصت را شناخته و از آن استفاده کنند. پیشرفت با میانجیگری ایالات متحده در توافق عادی‌سازی بین اسرائیل و عربستان سعودی، کمک زیادی به تحکیم این ائتلاف در حال ظهور خواهد کرد. اگر سعودی‌ها، که متولی دو مکان مقدس اسلام هستند، با اسرائیل صلح کنند، احتمالاً روابط اسرائیل با دیگر کشورهای سنی در داخل و خارج از خاورمیانه دستخوش تحول خواهد شد. دولت جو بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده و همچنین رهبران اسرائیل و عربستان سعودی، نشان داده‌اند که همچنان مایلند چنین توافقی به زودی اتفاق بیفتد. اما دولت بایدن معتقد است که جنگ در غزه باید قبل از ادامه مذاکرات در مورد عادی‌سازی روابط عربستان و اسرائیل متوقف شود.

نگاه  
تحلیلی

توضیح: نکات منتشرشده در این مقاله لزوماً موضع روزنامه هم‌میهن نیست. هدف از انتشار چنین مقالاتی آشنایی خوانندگان و کارشناسان با نوع نگاه و تحلیلگران برجسته خارجی به رخدادهای جهان است



# یا بایدن

## بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل دیرین

شکل‌گیری باشد؛ واقعیتی که می‌تواند نحوه رویکرد دفاعی، بازدارندگی و شرایط منطقه را تغییر دهد.

### پیش‌زمینه استراتژی مهار

وقتی صحبت از استراتژی دفاعی اسرائیل به میان می‌آید، باید گفت که اسرائیل مدت‌هاست متعهد به انجام نبردها بدون دخالت دیگران بوده است. تنها چیزی که از ایالات متحده می‌خواست این بود که اطمینان حاصل شود که اسرائیل ابزار لازم برای انجام این کار را دارد. بنابراین کمکی که اسرائیل برای دفاع از خود در برابر ایران دریافت کرد، نه تنها خوشایند اسرائیلی‌ها بلکه از نظر کابینه نتانیاهو ضروری نیز بود. اما چنین کمکی موجب می‌شود که اسرائیل نیز در قبال کمک‌کننده‌ها و به‌خصوص ایالات متحده آمریکا، تعهدی داشته باشد. دیگران در دفاع از اسرائیل شرکت می‌کنند، این حق را به دست می‌آورند که از اسرائیل بخواهند که منافع و نگرانی‌های آنها را در نظر بگیرد. پس از اقدام نظامی ایران، بایدن برای رهبران اسرائیل روشن کرد که آنها نیازی ندارند اقدام ایران را تلافی کنند، زیرا دفاع آنها به خودی خود موفقیت بزرگی بوده. در واقع بایدن قصد داشت به اسرائیل بفهماند که این دفاع به معنای شکست حمله ایران بوده است. اما از نظر اسرائیل، پاسخ ندادن به ایران، به کلی با مفهوم اساسی بازدارندگی اسرائیل در تضاد است. استراتژی بازدارندگی اسرائیل می‌گوید اگر به ما حمله کنید، هزینه خواهید داد و هیچ‌کس نمی‌تواند ما را تحت فشار قرار دهد تا به تهدیدات پاسخ ندهیم. اما در عین حال بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، نتوانست به‌راحتی درخواست آمریکا را رد کند. مفهوم بازدارندگی اسرائیل همیشه پاسخ‌های آن را در برابر تهدیدات مستقیم شکل داده است؛ به استثنای یک مورد که امروز ارزش یادآوری دارد. در طول جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱، شب پس از حمله نیروهای

این امید وجود دارد که مذاکرات در مصر در مورد معامله گروگان‌ها بین اسرائیل و حماس در نهایت به نتیجه برسد و آتش‌بسی حداقل شش‌هفته‌ای ایجاد کند. اما دولت بایدن نباید تمام تخم‌مرغ‌هایش را در این سبد بگذارد. بارها و بارها، حماس ابراز امیدواری کرده که توافقی قریب‌الوقوع رخ دهد اما این توافق در نهایت حاصل نشده است. در صورت عدم توافق میان اسرائیل و حماس در مصر، دولت بایدن باید به تنها گزینه باقی‌مانده که واقع‌بینانه است روی آورد و آن تشویق اسرائیل برای اعلام آتش‌بس یک‌طرفه در غزه به مدت چهار تا شش هفته است.

این تصمیم اسرائیل ممکن است تنها راه برای ایجاد شرایط برای پیشبرد توافق عادی‌سازی روابط بین اسرائیل و عربستان باشد. البته، آتش‌بس یک‌جانبه در اسرائیل بحث‌برانگیز خواهد بود، هم به این دلیل که به نظر می‌رسد اسرائیل در صورت پذیرفتن یک‌جانبه آتش‌بس، امتیازی به حماس واگذار می‌کند که در قبالش چیزی دریافت نکرده است. اما یک آتش‌بس یک‌جانبه چهار تا شش هفته‌ای در واقع مزایای استراتژیک بسیاری برای اسرائیل به دنبال خواهد داشت در حالی که معایبش بسیار اندک است. در حقیقت، اگر مذاکرات اسرائیل با حماس یک بار دیگر شکست بخورد و اگر رهبران اسرائیل بخواهند امیدوار باشند که گروگان‌ها را تا زمانی که هنوز برخی از آنها زنده هستند آزاد کنند، باید رویکرد متفاوتی اتخاذ کنند.

این واقعیت که اسرائیل هنگام طراحی اقدام نظامی خود به پاسخ ایران، از دولت بایدن حرف‌شنوی داشت، نشان می‌دهد که مسیر دولت بایدن برای متقاعد کردن اسرائیل به اتخاذ چنین تصمیمی باز است. در واقع، ممکن است واقعیت جدیدی در اسرائیل در حال

**این واقعیت که اسرائیل هنگام طراحی اقدام نظامی خود به پاسخ ایران، از دولت بایدن حرف‌شنوی داشت، نشان می‌دهد که مسیر دولت بایدن برای متقاعد کردن اسرائیل به اتخاذ چنین تصمیمی باز است. در واقع، ممکن است واقعیت جدیدی در حال شکل‌گیری باشد؛ واقعیتی که می‌تواند نحوه رویکرد دفاعی، بازدارندگی و شرایط منطقه را تغییر دهد**